

اثر قرارداد تجارت آزاد آمریکای شمالی (نافتا) بر منافع کشورهای آسیایی

□ از: دکتر علی اکبر رشیدی

پیشگفتار:

اقتصاددانان آن را «عصر طلایی سرمایه‌داری» خواندند. این دوره، رفاه و رونق زیادی به ارمغان آورد، وابستگی متقابل ملتها را بیشتر کرد، آزادی رفت‌وآمد مردم بیشتر شد و همراه آن، بخش ایده‌های دموکراتیک به نحو بی‌سابقه‌ای میسر گردید.

در آغاز قرن بیستم، هیچ دلیلی وجود نداشت که همه این تحولات متوقف گردد، ولی این طور شد. به گفته «دیوید هیل» (David Hale) از گروه کمپانی‌های مالی «کمپر» (Kemper Financial)، جنگ جهانی اول به این دلیل اتفاق افتاد که نیروهای همکاری و تمرکز اقتصاد جهانی به اندازه‌ای قوی نبود که بر رقابت‌های قبیله‌ای و ناسیونالیسم‌های قومی که در آغاز قرن بیستم هنوز مسلط بر محیط سیاسی اروپا بود، غلبه کند. رقابت در تجارت خارجی به شدت رشد کرد و این امر تقسیم بین‌المللی کار را تشویق نمود. دیوارهای تعرفه‌ای بلند برپا شد و کارتل‌ها برای حمایت از صنایع نوها و جوان و کشاورزان جابجا شده، ایجاد گردید. انگلستان تنها کشوری بود که طرفدار تجارت آزاد باقی ماند و ایالات متحده نیز در سال ۱۹۱۳ به آن پیوست. رقابت‌های مرکانتلیستی، هجوم به کلنی‌ها را، هم بعنوان بازار و هم بعنوان منبع مواد اولیه، بیش آورد. قدرت‌های استعماری، سالانه ۲۴۰ هزار میل مربع (به اندازه وسعت فرانسه) از سرزمین‌های تازه را از سال ۱۸۷۰ تا ۱۹۱۴ تحت استعمار خود آوردند. این میزان مستعمره‌یابی سه برابر میزان متوسط آن در دوره ۷۰ سال قبل از آن بود. نتیجه امر، تقسیم دنیا به داراها و ندارها، استعمارگران و کلنی‌ها، و میان خود قدرت‌های استعماری بود. ایالات متحده و آلمان کم‌کم از قدرت اقتصادی انگلستان و فرانسه می‌کاستند. روسیه تازه صنعتی شده و ژاپن قدرت‌های درحال ظهور بودند. اتریش و مجارستان، ایتالیا و ترکیه تدریجاً عقب می‌ماندند. عمل و عکس‌العمل ناسیونالیسم و امپریالیسم و رقابت‌های اقتصادی، ترتیبات امنیتی دسته جمعی را که قدرت‌های بزرگ از طریق کنفرانس‌های بین‌المللی حفظ می‌کردند، از هم گسست. تضادهای محلی، دوره صلح بادوام را به پایان رساند (جنگ‌های آمریکا - اسپانیا، جنگ بوئرها، جنگ ژاپن - روسیه). یک مسابقه تسلیحاتی دریایی بین آلمان و انگلستان آغاز شد. هر چند احساسات ناسیونالیستی کم اهمیت بود که جرعه جنگ جهانی اول را در سال ۱۹۱۴ روشن کرد، ولی اروپا برای شعله‌ور شدن آماده بود.

دوران جنگ، دوران تلاش ملت‌ها برای بقا ملی است و ملاحظات نظامی و سیاسی پایه روابط محدود تجاری و اقتصادی را تشکیل می‌دهد. جنگ بین‌المللی اول گرچه در سپتامبر ۱۹۱۸ خاتمه یافت ولی دو تحول مربوط به جنگ، یکی سقوط رژیم تزاری در روسیه و روی کار آمدن حکومت

تحولات نظام اقتصاد آزاد از دهه ۱۹۸۰ تقریباً در همه سالهای قرن بیستم بی‌سابقه بوده است. آزادسازی اقتصاد کشورها، کاهش یا حذف دخالت دولتها در امر تخصیص منابع، ساده‌سازی یا حذف بسیاری از مقررات، حذف تعرفه‌ها و سوبسیدها، آزادسازی سرمایه‌گذاری‌های مستقیم و غیر مستقیم خارجی، آزادسازی فعالیت در بخش خدمات (بانکداری، بیمه، حمل‌ونقل و غیره) برای شرکت‌های خارجی و از همه بالاتر حذف نظام اقتصادی رقیب، یعنی نظام اقتصادی دولتی و بازگشت روسیه و ممالک اروپای شرقی و جمهوری‌های سابق اتحاد جماهیر شوروی به نظام اقتصاد آزاد و پایان موفقیت‌آمیز دوراروگونه مذاکرات تعرفه‌ای، جملگی تجدید حیات نظام اقتصاد آزاد را، به نحوی که در سالهای اول قرن بیستم وجود داشت، نوید می‌دهد.

یک قرن پیش، نظام اقتصاد آزاد در سطح جهانی هیچ یک از قید و بندهای ابداع شده و تنیده شده در سالهای ۱۹۸۰-۱۹۱۰ را نداشت. در آن زمان سرمایه آزادانه از هر نقطه جهان به هر نقطه دیگر که در آن انتظار سودی می‌رفت انتقال می‌یافت. این انتقال سرمایه از اقتصادهای بالغ شده اروپایی به سوی بازارهای درحال پیدایش آن روز (ایالات متحده و بعد از ۱۸۷۰، آرژانتین، استرالیا، کانادا، زلاندنو و روسیه) صورت می‌گرفت. تغییرات سیاسی شامل اصلاحات ارضی رژیم تزاری و تشکیل کنفدراسیون در شمال مدار ۴۹ درجه، منطقه وسیعی را به اقتصاد بازار کشانند. در یک عصر خارق‌العاده نوآوری و ابداع، صنایع شیمیایی و صنایع مهندسی الکتریک به وجود آمد؛ احداث راه آهن و ساخت و استفاده از کشتی‌های بخاری در حمل‌ونقل انقلابی پدید آورد؛ خطوط تلگراف زیردریایی ارتباطات را تغییر داد؛ رواج سهام و اوراق قرضه، بازارهای مالی را دگرگون کرد. مجموعه این نیروهای قوی اقتصاد کشورها را به نحو بی‌سابقه‌ای به هم پیوند زد و برای همیشه حجم و سرعت و آهنگ دادوستدها را دگرگون ساخت.

در این دوره، هزینه تولید به شدت کاهش یافت. بین سالهای ۱۸۷۳ و ۱۹۰۰، قیمت‌ها ۴۰ درصد پایین آمد. برای عده‌ای این امر به معنی بیکاری و سختی بود، اما برای بقیه، اقتصاد جدید تولد فرصت‌های بی‌سابقه‌ای را در داخل و خارج از کشورها نوید می‌داد. در طول آن سی سال، حدود ۲۱ میلیون نفر اروپا را به سوی دنیاهای جدید ترک کردند. تولید جهانی چهار برابر و حجم تجارت جهانی سه برابر شد. در پنج قاره جهان، ثروت‌های سرشاری از احداث راه‌های آهن به دست آمد. این سالها دوره‌ای بود که

اینکه چگونه یک رژیم ظاهراً قدرتمند و حاکم بر نیمی از جهان و مجهز به زرادخانه‌های اتمی و سفاین فضائی سقوط می‌کند و بکلی از صحنه خارج می‌شود و در مقابل، نظام اقتصاد آزاد بدون داشتن تمرکز سیاسی، نظامی و اقتصادی به شکل‌های مختلف و به درجات در کشورها به پیروزی نهائی می‌رسد، برای دست‌اندرکاران امور سیاسی-نظامی و دانشجویان علوم اجتماعی درسهای زیادی دارد.

آنچه در این پیشگفتار قابل ذکر است دو نکته می‌باشد: یکی این که نظام اقتصاد آزاد یک فلسفه است که از نگرش به انسان و نقش انسان در جهان هستی شروع می‌شود و کلیه ابعاد زندگی سیاسی اقتصادی و اجتماعی و قضائی و فرهنگی او را دربرمی‌گیرد، و دیگر اینکه نظام اقتصاد آزاد به کمک و در سایه افکار، قوانین و مقررات، سیاست‌ها، سازمانها، نهادهای مناسب و مؤید و حذف قوانین و مقررات و سازمانها و نهادهای مزاحم و مخل، رشد می‌کند و به ثمر می‌رسد. ایجاد اتحادیه‌های اقتصادی اعم از ناحیه‌ای و بین‌المللی با هدف کاستن و حذف نهائی محدودیت‌های نقل و انتقال کالا، سرمایه، خدمت، نیروی کار و حتی افکار و آثار و اموال معنوی، اقدامی در جهت تسریع تحول اقتصادهای بسته یا محدود به اقتصاد مبتنی بر بازار آزاد است. اقدام ایالات متحده آمریکا و کانادا و مکزیک برای ایجاد یک منطقه تجارت آزاد، گامی در جهت بارورتر کردن نظام اقتصاد آزاد در نیم کره غربی است و مانند همیشه این سنوآل را برای ما مطرح می‌کند که با این همه بلوک‌بندی و منطقه‌گرایی و جهان‌گرایی، تکلیف مردم و کشور ما چیست؟



حوزه کوههای آند در آمریکای لاتین نیز قانون ترجیح تجارت آند - ایالات متحده آمریکا (APTA)^۱ را وضع کرد که کالاهای صادراتی خاص از کشورهای کلمبیا و بولیوی مشمول تعرفه‌های رجحانی می‌شود و پیش‌بینی شده است که بعداً کشورهای پرو و اکوادور نیز از آن استفاده کنند (لباس، پارچه و کفش و بعضی از کالاهای حساس جزو کالاهای مشمول نیست).

۳- قرارداد تجارت آزاد آمریکای شمالی (نافتا)^۲

خلاصه:

قرارداد تجارت آزاد آمریکای شمالی که در سال ۱۹۹۲ به امضاء مقامات سه کشور ایالات متحده، کانادا، و مکزیک رسید و از اول سال ۱۹۹۴ به مورد اجرا گذاشته شد، دارای این هدف است که طی ۱۰ تا ۱۵ سال، یک منطقه تجارت آزاد بین ۳۷۰ میلیون نفر که در ایالات متحده، کانادا و مکزیک زندگی می‌کنند و جمع تولید ناخالص ملی آنها ۶۰۰ میلیارد دلار است، به وجود آید. این قرارداد که براساس قرارداد قبلی بین ایالات متحده و کانادا تهیه شده، نه تنها درصدد حذف تعرفه و موانع غیر تعرفه‌ای بین اعضا است بلکه شامل مقرراتی درباره سرمایه‌گذاری، حمایت از مالکیت معنوی، حل و فصل اختلافات، قانون کار و حمایت از محیط زیست می‌باشد.

شاید مهمترین اهمیت «نافتا» در این باشد که برای اولین بار بین دو کشور صنعتی (شمالی) و یک کشور درحال صنعتی شدن (جنوبی)، یک منطقه تجارت آزاد ایجاد می‌کند و بازارهای صنعتی آمریکا

بلشویکی در آن کشور و دیگری امضاء عهدنامه صلح و رسای و موضوع غرامت‌گیری از آلمان و گروه‌کشی منابع آن، ریشه‌های بحران اقتصادی ۱۹۲۹-۳۳ و جنگ بین‌الملل دوم را در خود داشت.

تقسیم شدن جهان به دو بلوک سیاسی - نظامی و اقتصادی از سال ۱۹۴۵، حوزه عمل نظام اقتصاد آزاد را که در سالهای بین دو جنگ بسیار محدود شده بود با جدا کردن کشورهای اروپای شرقی (۱۹۴۵)، چین (۱۹۴۹) و کوبا (۱۹۵۱) و ویتنام و لائوس و کامبوج و کره بازم محدودتر کرد. ولی دنیای غرب نظام اقتصاد آزاد خود را با ابداع سازمانها، نهادها و تأسیسات مربوط به همکاریهای اقتصادی درون گروهی با هدف افزایش اشتغال، درآمد و تحصیل رشد اقتصادی و توسعه تجارت و تنظیم پرداختها و سرمایه‌گذاریهای بین‌المللی تقویت کرد و روحی تازه به آن بخشید.

تأسیس صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی و سازمانهای وابسته، ایجاد «گات»، تشکیل جامعه زغال و فولاد اروپا، تشکیل سازمان اتمی اروپا، انعقاد قرارداد رم، تشکیل منطقه تجارت آزاد شمال اروپا و ایجاد دهها سازمان و دفتر و تشکیلات مرتبط با سازمان ملل بر محور ایجاد محیط مساعد برای رشد و تقویت نظام اقتصاد آزاد، راه را برای پیروزی نهائی نظام هموار کرد.

سقوط رژیم شوروی در همه ابعاد سیاسی، نظامی و اقتصادی و فلسفی آن در سال ۱۹۹۰ به معنی خط بطلان کشیدن بر ایدئولوژی‌های رقیب نظام اقتصاد آزاد یا پلانزاع شدن این نظام در صحنه بین‌المللی است.

اقدامات ایالات متحده برای ایجاد منطقه تجارت آزاد نیمکره غربی

۱- منطقه تجارت آزاد ایالات متحده آمریکا - کانادا (CUFTA)^۲

اولین اقدام ایالات متحده آمریکا در جهت منطقه‌گرایی تجاری و اقتصادی، انعقاد قرارداد آزادی تجارت با کانادا در سال ۱۹۸۹ بود. هدفهای این قرارداد، ۱) از میان برداشتن موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای دادوستد کالاها و خدمات، ۲) افزایش سرمایه‌گذاریهای هر کشور در کشور دیگر، ۳) تسهیل رقابت عادلانه، ۴) حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات تجاری از راه تعیین کانال و طرز رسیدگی به اختلافات است.

برای اینکه کالائی بتواند از معافیت تعرفه‌ها استفاده کند باید منشأ تولید داخلی داشته باشد (MDVA) و به عبارت دیگر، صادرات مجدد کالای وارداتی مشمول معافیت نمی‌شود. در نتیجه این قرارداد، تا سال ۱۹۹۳، آزادی تجارت کامل تعدادی از تولیدات صنعتی حاصل گردید و درحال حاضر ۸۰ درصد تجارت بین کانادا و آمریکا بدون تعرفه است و ۲۰ درصد بقیه نیز طی ۱۰ سال از تاریخ انعقاد قرارداد حذف می‌گردد.

پیش از انعقاد قرارداد نافتا، ایالات متحده به منظور تهیه مقدمات تأسیس منطقه تجارت آزاد در

۲- پیشگامی برای تمام آمریکا (EAI)^۲

نیم کره غربی، طرح پیشگامی برای تمام آمریکارادر ماه ژوئن ۱۹۹۰ ارائه کرد. هدف نهائی طرح، ۱- توسعه تجارت، ۲- تشویق سرمایه‌گذاریهای خارجی، ۳- کاهش بدهی‌های خارجی و ۴- حفاظت از محیط زیست می‌باشد. مرکز نقل طرح پیشگامی، انعقاد قراردادهای دوجانبه یا چند جانبه تجارت آزاد بین ایالات متحده با بقیه ممالک آمریکای لاتین است.

قبل از انعقاد قرارداد تجارت آزاد، هر کشور باید با ایالات متحده یک قرارداد چارچوب کلی امضاء کند و در آن اصول اقتصادی - اجتماعی بسیار مهمی را بپذیرد. پیش شرط‌های دیگر انعقاد قرارداد آزادی تجارت، نیل به ثبات اقتصادی توسط کشور و پیشرفت رضایت‌بخش در امر اصلاحات بازارگرایی در ممالک آمریکای لاتین است. تا سال ۱۹۹۲، ایالات متحده با بیشتر ممالک آمریکای لاتین چنین قراردادهایی به امضاء رسانده بود. از بین این ممالک، شیلی، آرژانتین و ونزوئلا جلوتر از همه آماده انعقاد قرارداد تجارت آزاد با آمریکا هستند. غیر از این کشورها، ایالات متحده از سال ۱۹۹۰ چارچوب روابط خود با ممالک حوزه دریای کارائیب را تحت عنوان پیشگامی حوزه دریای کارائیب (CBI)^۲ تقویت کرده است. در طرح جدید، برای صادرات آنها، رجحان تعرفه‌ای که وسیعتر از سیستم کلی تعرفه‌های رجحانی (GSP) است، پذیرفته شده است.

در سال ۱۹۹۳، ایالات متحده برای ممالک

و کانادا را به بازار و اقتصاد در حال توسعه مکزیک مربوط می‌سازد.

قرارداد «نافتا» در شرایطی امضاء شد که کشورهای عضو در «مذاکرات دور اروگوئه» نیز با علاقه فراوان شرکت کرده بودند و اعتقاد داشتند که ضمن حمایت از جریان کاهش تعرفه‌ها تحت «گات»، الگویی برای همکاری‌های منطقه‌ای در این زمینه فراهم ساخته‌اند. قرارداد «نافتا» که در نوامبر ۱۹۹۳ به تصویب کنگره آمریکا رسید، به رئیس‌جمهور آمریکا این امکان را داد که همزمان، سران کشورهای گروه همکاری اقتصادی آمریکا و اقیانوس آرام (APEC) را در جزیره بلیک (Blake) در ایالت واشنگتن برای گسترش کوشش‌های آزادسازی اقتصادی و تجاری به مذاکره دعوت نماید.

تصویب «نافتا» توسط کنگره، مایه شادی همه نیست. ممالک آسیایی مخصوصاً ممالک صنعتی و در حال صنعتی شدن خاور دور از آن بیم دارند که «نافتا» سبب انحراف سرمایه‌گذاری‌ها و تجارت به ضرر آنها شود. اساس مسئله، تأثیر «نافتا» بر سیاست تجاری جاری و آینده ایالات متحده است. در داخل ایالات متحده، عده‌ای از سیاستمداران ادعا دارند که «نافتا» برای افزایش قابلیت رقابتی شرکت‌های آمریکایی در برابر رقبای ژاپنی و نیز حمایت از موقعیت رقابتی شرکت‌های آمریکایی که مورد تهدید شرکت‌های ژاپنی و سایر شرکت‌های مهاجم آسیایی هستند، منعقد شده است. افزون بر همه اینها، با وجود اینکه صحبت از توسعه «نافتا» شده است، هدف واشنگتن گسترش آن در جهت جنوب و جذب ممالک آمریکای لاتین (مخصوصاً شیلی، آرژانتین و ونزوئلا و ممالک عضو گروه دریای کارائیب) است که این خود وضع ممالک آسیایی را بیشتر به مخاطره می‌اندازد.

در این گزارش، افزون بر تشریح اصول «نافتا»، ایرادات و ملاحظات ممالک خاور دور و آسیای جنوبی مخصوصاً کشورهای در حال صنعتی شدن آسیایی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

۴- نکات اصلی قرارداد

«نافتا» مقرر می‌دارد که بیشتر محدودیت‌های تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای (سه‌میه‌بندی، جواز واردات و غیره) موجود در ممالک عضو، طی مراحل ۵ ساله، ۱۰ ساله و ۱۵ ساله برچیده شود. دوره ۱۵ ساله مربوط به مکزیک و برای رفع محدودیت‌های موجود در مورد تعداد قلیلی از کالاها حساس است. چون «نافتا» بازار مشترک نیست و تعرفه مشترک خارجی وجود ندارد، برای اینکه کالائی از معافیت‌ها برخوردار شود مقررات مربوط به مبدأ کالاها و مواد (rules of origin) وضع گردیده است، تا انحراف تجارت و سرمایه‌گذاری اتفاق نیفتد. در مورد دسته‌ای از کالاها حساس (که برای آسیایی‌ها هم مهم است) یعنی پارچه / لباس دوخته

و اتومبیل / قطعات اتومبیل، مقررات مبدأ بسیار روشن و محکمی وضع گردیده است. در مورد پارچه و لباس قاعده این است که برای مشمول معافیت شدن این اقلام، لباس‌های دوخته شده باید از مواد اولیه آمریکای شمالی یعنی از نخ و پارچه تولید شده در آمریکای شمالی درست شده باشد. این قاعده به آزمایش تغییر شکل سه‌گانه (Triple Jump) یا Triple Transformation Test) معروف است.

ولی به کانادا و مکزیک اجازه داده شده است که کالاهای ساخته شده با درصدی از مواد اولیه وارداتی را به ایالات متحده صادر نمایند. در مورد کالاهای پنبه‌ای و الیاف مصنوعی، قاعده الیاف به بعد (fibre forward) که محدود کننده‌تر است اعمال می‌شود.

در مورد اتومبیل و قطعات آن، تعرفه‌های ایالات متحده و کانادا سریعتر از تعرفه‌های مکزیک حذف می‌گردد. برای این که واردات اتومبیل و قطعات آن مشمول تعرفه‌های ترجیحی شود، ابتدا باید ۵۰ درصد ارزش آن منشأ آمریکای شمالی داشته باشد. این درصد برای کمپانی‌های تازه تأسیس اتومبیل طی پنجسال و دو مرحله به ۶۲/۵ درصد افزایش می‌یابد و کمپانی‌های موجود و دایر تا سال ۲۰۰۲ باید به این درصد برسند. این مقررات نشان می‌دهد که «نافتا» دنبال ایجاد بازار متمرکز کامل برای اتومبیل و قطعات است.

آزادسازی بخش کشاورزی به موجب دو قرارداد دوجانبه جداگانه صورت می‌گیرد که به موجب آن بیشتر تعرفه‌های محصولات در ابتدای کار حذف می‌گردد.

مقررات دیگری تدریجاً محدودیت مربوط به خریدهای دولتی مکزیک را که حدود ۱۱ میلیارد دلار است برطرف می‌سازد و خریدهای دولتی را تابع شرایط رقابت بین‌المللی می‌کند. در مکزیک، ممنوع بودن مالکیت بانک‌ها و شرکت‌های بیمه توسط خارجی‌ها برداشته می‌شود و شرکت‌های حمل و نقل کامیونی ایالات متحده و مکزیک حق می‌یابند خدمات خود را در هر دو کشور ارائه کنند. سه نکته جالب دیگر که در «نافتا» گنجانده شده، مربوط به (۱) ارائه خدمات مالی (۲) مکانیزم حل و فصل اختلافات و (۳) مسائل نیروی کار و محیط زیست است.

در مورد سرمایه‌گذاری‌های خارجی و خدمات مالی، «نافتا» هم‌تراز و مانند قرارداد نهانی «دوراورگوئه»، بسیاری از محدودیت‌های «سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی» (DFI) را حذف می‌کند. هر کشور با سرمایه‌گذار خارجی مثل سرمایه‌گذار داخلی رفتار می‌کند و هیچ محدودیت و شرطی مثل نتیجه‌یابی خاص در آن کشور (رسیدن به صادرات در حد معینی، حداقل محتوای داخلی با ترجیح تأمین مواد از داخل، داشتن توازن تجاری، انتقال تکنولوژی و یا بازاریابی محصولات تولیدی) را برای سرمایه‌گذار خارجی وضع نخواهد کرد.

عرضه‌کنندگان خدمات مالی در هر کشور حق دارند شبکه خود را در دیگر کشورهای عضو گسترش دهند (بانکداری، بیمه و خدمات بورس و سایر خدمات مالی). هر کشور به مردم خود حق می‌دهد که خدمات مالی را از سایر کشورهای عضو خریداری کنند. هر کشور عضو با عرضه‌کنندگان خدمات مالی سایر کشورها در کشور خود نه تنها مثل اتباع خود رفتار می‌کند، بلکه اصل کامله الوداد (MFN) را در مورد آنها رعایت خواهد کرد.

مکزیک به مؤسسات مالی سایر کشورهای عضو اجازه می‌دهد که تأسیسات مالی در مکزیک دایر نمایند ولی در دوره انتقالی تا سال ۲۰۰۰ سهم آنها محدود خواهد بود. تحت مکانیزم حل و فصل اختلافات که از قرارداد ایالات متحده و کانادا گرفته شده، یک پانل تخصصی مرکب از اتباع دو کشور در مورد موضوع مورد اختلاف به حکمیت می‌پردازد و اظهار نظر مشورتی ولی با قدرت (authoritative) می‌کند. در مورد اختلافات مربوط به سوبسید و تعرفه‌های جبرانی (countervailing)، پانل کارشناسی، نظری قضائی که برای دولتها لازم‌الاجراء است ابراز می‌دارد. در واقع با اجازه دادن به مکزیک که از این مکانیزم حل اختلاف استفاده کند این کشور قبول کرده است که دست به اصلاحات قضائی عمده‌ای بزند.

قرار فرعی مربوط به کار مقرر می‌دارد که کمیسیون برای همکاری‌های مربوط به کار تشکیل شود که وظیفه آن جمع‌آوری و بررسی قوانین و مقررات کار و شرایط کار است، این کمیسیون، شکایات را دریافت و در اختلافات میان‌جیگری می‌کند. در صورتی که از مقررات بهداشتی و استانداردهای حفاظتی تخلف شده باشد یا مقررات مربوط به کار اطفال یا حداقل دستمزدها نادیده گرفته شده باشد، کمیسیون مجازات‌های نقدی یا تحریم‌های تجاری برقرار می‌نماید. سایر موارد می‌تواند بوسیله پانل‌های کارشناسی بررسی شود یا حتی در سطح وزراء مورد بحث و بررسی قرار گیرد. در مورد حفظ محیط زیست، «نافتا» خواستار همکاری و همگامی برای بهبود محیط زیست است.

واردات کالاها از ممالک عضو «نافتا» در صورتی از تعرفه معاف خواهد بود که با مقررات موجود به‌اشتی، ایمنی و استانداردهای محیط زیست عضو مطابقت داشته باشد. مانند قرارداد فرعی کار، قرارداد محیط زیست نیز یک کمیسیون همکاری محیط زیست تأسیس می‌نماید. در صورتی که روشن شود یک دولت مقررات مربوط به محیط زیست خود را اعمال نکرده است و ثابت شود این عدم اعمال مقررات سبب انحراف تجارت شده و دولت مربوط اقدام جبرانی لازم را به عمل نیاورده است، جرائم نقدی تا حد بیست میلیون دلار برای آن دولت تعیین خواهد شد. گنجانیدن مقررات کار و محیط زیست در «نافتا» و قراردادهای فرعی آن

۶- انرژی

صنایع نفت مکزیك تا حدی به روی سرمایه‌گذاری خارجی گشوده می‌شود (مالکیت معادن نفت توسط خارجی‌ان همچنان ممنوع است).

۷- امور مالی

- بازارهای مالی مکزیك تا سال ۲۰۰۰ کاملاً آزاد خواهد شد.

- کمپانی‌های فعال در منطقه «نافتا» اجازه می‌یابند کمپانی‌هایی فرعی را که صددرصد متعلق به آنها است در منطقه تأسیس کنند.

۸- سایر امور

- محصولات کشاورزی، حمل‌ونقل زمینی، ارتباطات از راه دور، مقررات سرمایه‌گذاری، حفاظت از محیط زیست همانطور که ذکر گردید مشمول مقررات خاص شده است.*

۵- اثرات اقتصادی نافتا

«نافتا» چون تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی را در کشورهای عضو آزادتر می‌کند مسلماً به ضرر کشورهای غیر عضو است. کلیه مطالعات انجام شده در مورد اثرات «نافتا» بر دو نکته تأکید دارد. (۱) «نافتا» رفاه اقتصادی مکزیك را افزایش می‌دهد، در حالی که اثر آن بر رفاه اقتصادی ایالات متحده و کانادا مثبت ولی کمتر خواهد بود، و (۲) تأثیر اقتصادی «نافتا» بر بقیه کشورهای ممکن است مثبت یا منفی ولی در هر حال در کوتاه مدت نسبتاً اندک باشد.

تأثیر نافتا بر جریان تجارت

مطالعات انجام شده^۷ در مورد تأثیر «نافتا» بر انحراف تجارت از بیرون گروه به داخل گروه (Trade diversion) نشان می‌دهد که این اثر ناشی از کاهش تعرفه‌ها (صادرات کره و ممالک ASEAN به ممالک آمریکای شمالی را حدود ۴ تا ۵ درصد تقلیل خواهد داد. سایر مدلها اعداد کوچکتری را نشان داده است. در یک بررسی چنین نتیجه‌گیری شده است که اگر تجارت کره و تایوان را کنار بگذاریم، تأثیر «نافتا» بر انحراف صادرات سایر ممالک در حال توسعه شرق و جنوب آسیا به ایالات متحده (به نفع مکزیك و کانادا) حدود ۱ درصد بیشتر نخواهد بود.^۸ مطالعه‌ای دیگر در مورد تأثیر «نافتا» بر اقتصاد ممالک جنوب آسیا، انحراف صادرات آنها به ایالات متحده را یک درصد اعلام می‌دارد^۹ که برابر یک هشتادم نفع همین کشورها از ۳۰ درصد کاهش تعرفه‌ها طبق مقررات دوراروگونه است. بقیه نویسندگان نیز اثر «نافتا» بر ممالک عضو APEC را اندک^{۱۰} یا اثر انحراف تجارتی «نافتا» را «نه غیر قابل جبران» می‌دانند.^{۱۱} اینکه «نافتا» سبب انحراف شدید تجارت به درون گروه نمی‌گردد نتیجه وجود چند عامل است:

۱- تعرفه‌ها و موانع غیر تعرفه‌ای تجارت در سه کشور عضو «نافتا» حتی در حال حاضر بسیار پایین

جدول (۱)
تجارت درون منطقه‌ای اتحادیه‌های اقتصادی
عمده ممالک صنعتی (درصد)

نام اتحادیه	سهم تجارت درون منطقه‌ای (درصد)	سهم تجارت درون منطقه‌ای از تجارت جهانی (درصد)	۱۹۹۰	۱۹۸۷	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۱
آمریکا - کانادا (قرارداد تجارت آزاد)	۲۶/۲	۳۲/۸	۳۲/۱	۳۳/۵	۵/۰۹	۳۳/۵	۵/۰۹
آمریکا - کانادا - مکزیك (NAFTA)	۳۳/۵	۴۲/۵	۳۹/۳	۴۰/۸	۶/۰۵	۴۰/۸	۶/۰۵
اتحادیه اقتصادی اروپا ۱۲ کشور (EEC12)	۵۵/۸	۵۸/۸	۶۱/۴	۶۱/۶	۲۴/۷۰	۶۱/۶	۲۴/۷۰
اتحادیه تجارت آزاد اروپا (EFTA)	۱۴/۷	۱۴/۷	۱۲/۶	۱۲/۶	۰/۸۰	۱۲/۶	۰/۸۰
منطقه اقتصادی اروپا (EEA)	۶۳/۳	۶۶/۳	۶۸/۰	۷۰/۱	۳۳/۱۶	۷۰/۱	۳۳/۱۶
قراردادهای اروپا (EC)	(۱)۱۹/۲	(۱)۱۶/۳	(۱)۲۰/۰	—	(۲)۰/۶۰	(۱)۲۰/۰	(۲)۰/۶۰
منطقه تجارت آزاد اروپای مرکزی (CEFTA)	۱۱/۰	۷/۶	۶/۱	—	۰/۰۷	۶/۱	۰/۰۷
استرالیا و زلاندنو (قرارداد تجاری روابط اقتصادی نزدیکتر (ANZCERTA))	۶/۱	۷/۰	۷/۲	—	۰/۰۹	۷/۲	۰/۰۹
همکاری اقتصادی آسیا - اقیانوس آرام (APEC)	۵۳/۲	۶۴/۳	۶۴/۳	—	۲۳/۰۷	۶۴/۳	۲۳/۰۷
درصد تجارت جهانی تابع قراردادهای منطقه‌ای ممالک صنعتی	۹۳/۶۳	۹۳/۶۳	۹۳/۶۳	۹۳/۶۳	۹۳/۶۳	۹۳/۶۳	۹۳/۶۳

منبع: سازمان ملل CONTRADE و صندوق بین‌المللی پول DOT

(۱) سهم بازار مشترک در صادرات چکواسلواکی سابق، مجارستان و لهستان

(۲) سهم واردات بازار مشترک از چکواسلواکی سابق، مجارستان و لهستان در تجارت جهانی

معرف فشار گروه‌های صاحب نفوذ در ایالات متحده آمریکا است.

ممالک عضو اجازه دارند در موارد خاص مانند دامپینگ، سویسید و به منظور حفظ روحیه عمومی، محیط زیست، موازنه پرداختها، حفظ منابع فرهنگی و امنیت ملی محدودیت‌هایی در مورد تجارت به صورت تعرفه (جبرانی و ضد دامپینگ) و کنترل واردات بر اساس عدم تبعیض وضع کنند.

توضیحات بیشتری درباره توافق‌های اصلی

۱- حذف تعرفه‌ها طی ۱۵ سال در سه مرحله پنجساله بر مبنای قلم به قلم خواهد بود.
- در پنجسال اول، تعرفه ۹۰ درصد صادرات مکزیك به ایالات متحده و ۶۰ درصد تعرفه صادرات ایالات متحده به مکزیك حذف می‌گردد.

۲- تعرفه وسائط نقلیه موتوری
- تعرفه قطعات اتومبیل طی پنجسال حذف می‌شود.
نسبت محتوی داخلی در چهار سال اول ۵۰ درصد و در آغاز سال نهم باید ۶۲/۵ درصد باشد.
۳- محصولات الکتریک و الکترونیک
- استفاده از قطعات تولید شده در آمریکای شمالی برای محصولات منتخب مانند کامپیوتر (صفحه مرکزی motherboards) و تلویزیون (لامپ تصویر) ضروری می‌شود.
۴- منسوجات
- تعرفه‌های گمرکی طی ۱۰ سال حذف می‌گردد و مقررات مبدأ شدیدتر شده است.
۵- سیستم ماگیلا دورا (Maguiladora)
- سیستم معافیت تعرفه‌ای مکزیك برای قطعات وارده از خارج که در کارخانه‌های کنار مرز ایالات متحده در مکزیك به کالاهای صادراتی به ایالات متحده تبدیل می‌شود، تا سال ۲۰۰۱ لغو می‌گردد.

جدول (۲)
تجارت درون منطقه‌ای اتحادیه‌های اقتصادی
عمده کشورهای درحال توسعه (درصد)

نام اتحادیه	سهم تجارت درون منطقه‌ای از کل تجارت جهانی	سهم تجارت درون منطقه‌ای از کل تجارت جهانی	سهم تجارت درون منطقه‌ای از کل تجارت جهانی
بازار مشترک آمریکای مرکزی (CACM)	۲۵/۴	۱۵/۵	۱۷/۵
جامعه دریای کارائیب (CARICOM)	۴/۰	۵/۹	۵/۳
جامعه متمرکز آمریکای لاتین (LAIA)	۱۳/۸	۸/۰	۱۳/۰
روه آند (ANDEAN)	۴/۰	۲/۶	۵/۴
بازار مشترک نیمه جنوبی مریکای جنوبی (MERCOSUR)	۱۱/۶	۵/۵	۱۱/۱
تحدیه ملل جنوب شرقی آسیا (ASEAN)	۱۷/۹	۱۹/۳	۱۹/۸
شورای همکاری ممالک عربی خلیج منطقه تجارت رجحانی ممالک شرقی و جنوبی آفریقا (PTA)	۲/۸	۴/۹	۸/۲
اتحادیه اقتصادی ممالک غرب آفریقا (ECOWAS)	۸/۳	۶/۷	۹/۴
اتحادیه اقتصادی ممالک غرب آفریقا (CEAO)	۲/۱	۵/۳	۶/۱
اتحادیه رودخانه مانو (MRU)	۸/۸	۸/۹	۱۰/۵
اتحادیه اقتصادی و کمربندی - آفریقای مرکزی (UDEAC)	۰/۶	۰/۳	—
(UMA)	۱/۸	۲/۱	۲/۴
	۰/۳	۱/۰	۲/۸

منبع: سازمان ملل COMTRADE و صندوق بین المللی پول DOT

است (مثل اتومبیل که مقررات مربوط به منشأ تولید «نافتا» برای آن به مورد اجرا گذاشته می‌شود). تعرفه اتومبیل تولید شده در خارج که به ایالات متحده وارد می‌شود درحال حاضر فقط ۲/۵ درصد است. دوارگونه نیز افزون بر این، بسیاری از موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای را باز هم کاهش داده است و هرگونه اثر تبعیضی «نافتا» را باز هم کمتر می‌کند.

۲- انحراف تجارت در صورتی اتفاق می‌افتد که ممالک غیر عضو نافتا ظرفیت و قابلیت صدور کالا به آمریکای شمالی را داشته باشند و محدودیت عرضه در زمان حال سبب انحراف تجارت به درون ممالک «نافتا» که از مزایای تعرفه‌ای بیشتری نیز برخوردار شده‌اند نشده باشد. اینکه اثر انحرافی تجارت بسیار اندک محاسبه شده است، ناشی از این حقیقت می‌باشد که اقتصاد ممالک جنوب آسیا در صدور کالا به آمریکای شمالی غیر از پارچه و لباس، کالاهای قابل رقابت چندانی ندارند. حتی در مورد لباس‌های دوخته که «کارپ» است، مکزیک ممکن است نتواند بازار ممالک آسیائی را در آمریکا که بواسطه شرط تغییر شکل سه گانه (که مقرر می‌دارد حتی نخ بکار برده شده برای تولید پارچه لباس دوخته، محصول آمریکای شمالی باشد) در اختیار آن قرار گرفته، قبضه نماید. صنعت لباس مکزیک، در داخل مکزیک هم با رقابت شدید صادرات ممالک آسیائی روبروست.

۳- ایجاد «نافتا» بر رشد اقتصادی مکزیک اثرات بسیار مهمی خواهد داشت و در نتیجه بر صادرات همه ممالک نیز اثر می‌گذارد. «نافتا» اقتصاد مکزیک را به اقتصاد آزاد جهانی پیوند می‌دهد و میزان متوسط تعرفه‌های آن کشور را از ۲۳ درصد به ۱۰ درصد بر مبنای کامل الوداد سراسری (MFN) تقلیل می‌دهد که جزئی از برنامه آزادسازی آن کشور است. همچنین اصلاحات قانونی و مقررات مکزیک روی همه طرفهای تجاری آن کشور اثر می‌گذارد.

۴- اثر انحراف تجارت «نافتا» مخصوصاً به این دلیل اندک خواهد بود که درحال حاضر قسمت عمده‌ای از تجارت این ممالک، درون منطقه‌ای است (جدول ۱). ترس کشورهای درحال توسعه از «نافتا» در مورد گرفته شدن جای صادرات آنها توسط صادرات مکزیک است، ولی انحراف تجارت در مکزیک بسیار اندک است زیرا اقتصاد مکزیک بسیار کوچک و درحال حاضر نیز حدود ۷۵ درصد واردات آن از ایالات متحده و حدود ۶۶ درصد صادرات آن به ایالات متحده است.

خود انحراف تجارت به درون گروه، به تنهایی آنقدر عظیم نیست که سبب انحراف سرمایه‌گذارهای مستقیم به داخل مکزیک شود، ولی با توجه به طرز اجراء و اعمال مقررات ضد دامپینگ و تعرفه‌های جبرانی در ایالات متحده که غالباً

جدول (۳)

واردات ایالات متحده آمریکا و کانادا (۱۹۹۱)

سهم ممالک درحال توسعه آسیا - اقیانوس آرام و مکزیک
(میلیون دلار - درصد)

خالص واردات	صدور مجدد	کل واردات	
۴۱۵۶۰۹	۹۳۷۱۱	۵۰۹۳۲۰	ایالات متحده
۲۳۱۸۷	۷۲۹۳۲	۱۱۸۱۱۹	کانادا
۲۵۸۷۹۶		۶۲۷۳۳۹	جمع
۲۰۴۳۸ (۴/۵ درصد کل)			صادرات مکزیک به کانادا و ایالات متحده
			صادرات ممالک در حال توسعه آسیا-اقیانوس
۱۱۸۸۴۰ (۲۴/۴ درصد کل)			آرام به کانادا - ایالات متحده

UNCTAD, "Handbook of International Trade and Development Statistics", 1992

منبع

جدول (۴)

جریان تجارت بین آسیا - اقیانوس آرام و منطقه ناقتا

مقد	۱۹۸۷ (میلیون دلار)				۱۹۹۲ (میلیون دلار)				رشد ۹۳-۱۹۸۷ (درصد)	
	آسیا- اقیانوس آرام	ایالات متحده	کانادا	مکزیک	آسیا	ایالات متحده	کانادا	مکزیک	ایالات متحده	کانادا
آسیا- اقیانوس آرام	۱۱۹۲۶۷	۸۰۱۲۷	۵۳۳۶	۲۱۴	۲۹۶۲۹۱	۱۱۹۲۱۷	۸۳۹۶	۲۵۸۱	۱۴۸/۶	۴۸/۸
ایالات متحده -	۷۰۲۹۲	-	۵۹۸۱۴	۱۴۵۸۴	۱۳۲۰۵۲	-	۹۰۱۵۶	۴۰۵۹۸	۸۷/۹	-
کانادا	۹۸۴۶	۷۱۴۵۵	-	۳۹۸	۱۲۹۷۲	۱۰۳۸۶۰	-	۶۱۳	۳۱/۷	۲۵/۴
مکزیک	۱۷۵۳	۱۴۶۲۵	۳۱۲	-	۱۹۹۴	۳۲۶۲۲	۲۲۰۷	-	۱۳/۷	۱۳۹/۴

IMF, Direction of Trade Statistic, Year Book 1993

منبع :

جدول (۵)

سهم ایالات متحده و کانادا از صادرات اجزاء آسیا - اقیانوس آرام و مکزیك ۱۹۹۱-۱۹۷۵ (درصد)

۱۹۹۱	۱۹۸۵	۱۹۸۰	۱۹۷۵	
۱۸/۶	۱۸/۴	۱۰/۹	۱۰/۸	جنوب آسیا (۱)
۱۹/۴	۲۰/۶	۱۹/۲	۲۲/۵	آسیا (۲)
۲۴/۴	۳۸/۲	۲۶/۵	۲۹/۱	ممالک تازه صنعتی شده (۳)
۹/۴	۹/۴	۶/۶	۳/۲	چین
۲۹/۱	۳۶/۱	۲۴/۱	۲۰/۴	آسیا توسعه یافته و اقیانوس آرام (۴)
۶۶/۴	۶۰/۸	۶۶/۰	۶۳/۱	مکزیک

UNCTAD, "Handbook of International Trade and Development Statistics", 1992

منبع :

- (۱) جنوب آسیا شامل هندوستان، پاکستان، سریلانکا و بنگلادش.
 (۲) آسیا-۳ شامل اندونزی، فیلیپین، تایلند و مالزی است.
 (۳) ممالک تازه صنعتی شده آسیا شامل هنگ کنگ، تایوان، کره جنوبی است.
 (۴) ممالک صنعتی آسیا-اقیانوس آرام شامل ژاپن، استرالیا و زلاندنو میباشند.

محصولات مهندسی هندوستان تحت تأثیر قرار می گیرد ولی میزان آن در حال به دودلیل (۱) پایین بودن سطح محدودیت دسترسی به بازار ایالات متحده در حال حاضر و (۲) امتیازات ترجیحی شدید فعلی مکزیك در بازار ایالات متحده، اندک خواهد بود. ضمن اینکه تشدید رقابت مکزیك با ممالک آسیایی باعث افزایش کارآئی در ممالک آسیایی می گردد.

آنچه مایه نگرانی ممالک آسیایی می تواند باشد تغییرات درازمدت در ساختار صنایع و فرصت های سرمایه گذاری در مکزیك است که ممکن است مقدار بیشتری از سرمایه های خارجی را به مکزیك جلب نماید، هرچند نوع توسعه صنایع در مکزیك لزوماً در رقابت زیاد با صادرات ممالک آسیا - اقیانوس آرام نیست.

یکی از اثرات ضمنی تشکیل «ناقتا» برای ممالک آسیایی که در اثر تشدید رقابت حاصل خواهد شد، تقلیل هزینه ها، بالا رفتن سطح تکنولوژی و کارآئی جریان تولید است. در بعضی از رشته ها مانند پارچه و لباس، تشکیل «ناقتا» سبب پیدا شدن تمرکز عمودی در صنایع نساجی و تولید لباس در آمریکای شمالی می گردد که رقابت مؤثر با ممالک آسیایی را زیاد می کند؛ این امر برای تولیدکنندگان آسیایی مفید است و آنها را به سوی نوآوری تکنولوژیک، توسعه و تحقیقات می کشاند.

خلاصه، می توان گفت که گرچه اثر کلی تشکیل «ناقتا» بر تجارت آسیا - اقیانوس آرام معین نیست، ولی «ناقتا» بر بعضی از بخش های کالا های صادراتی که برای برخی کشورها مهم است اثر منفی می گذارد. مثلاً صادرات کفش و پارچه چین و نیز

وسپله ای برای خدمت به منافع داخلی و اذیت کردن و ایجاد دردسر برای واردکنندگان می باشد، برپائی «ناقتا» از نظر تضمین رفتار مشابه با اتباع در بسیاری از بخش ها برای تجارت اهمیت می یابد.

اما مهمتر از این ها، تغییر سیاست های داخلی در مکزیك است که حتی قبل از آغاز فعالیت «ناقتا» صورت گرفته است. این تغییرات شامل اجرای برنامه تثبیت، معرفی شفافیت کامل و سراسر سازی بوروکراسی و تغییرات قانونی است که مورد علاقه خاص سرمایه گذاران خارجی می باشد. مثلاً، مکزیك در سال ۱۹۹۰ قانون مالکیت اموال معنوی خود را اصلاح کرد. بسیاری از این مزایا البته عاید همه سرمایه گذاران خارجی می شود و محدود به سرمایه گذاران آمریکای شمالی نیست.

این تغییرات، مکزیك را برای سرمایه گذاریهای خارجی جذاب تر می کند و به صورت رقیب جدی تری در برابر ممالک آسیایی درمی آورد. اعتماد بیشتر سرمایه گذاران به مکزیك سبب کاهش ریسک سیاسی و ریسک اقتصادی در مکزیك می گردد؛ از طرف دیگر، اثر «ناقتا» بر رشد اقتصادی منطقه نرخ بازده سرمایه گذاریها را بالا می برد، که جملگی بر درازمدت تحقق می یابد.

اما در کوتاه مدت، بعضی از ممالک آسیا - اقیانوس آرام با مشکل مواجه خواهند شد. اندونزی گرچه صادراتی مشابه مکزیك دارد، ولی مقصد صادرات آن کمتر ایالات متحده است. تایلند برای صادرات پلاستیک و پارچه خود با رقابت بیشتری روبرو خواهد بود. هنگ کنگ و سنگاپور نیز در مورد محصولات شیمیایی خود با رقابت بیشتری مواجه خواهند شد. هندوستان و پاکستان صادراتی دارند که مشابه صادرات مکزیك است ولی چون بازار داخلی آنها وسیع است، نوسان صادرات اثر چندانی بر وضع صنایع آنها ندارد. ممالک صنعتی آسیا نیز تا حد زیادی مصون از رقابت مکزیك در بازار کانادا و ایالات متحده هستند.

اهمیت منطقه «نافتا» برای صادرکنندگان آسیا - اقیانوس آرام و خط مشی آینده

ارقام موجود نشان می‌دهد که ایالات متحده و کانادا طرف‌های تجاری عمده منطقه آسیا و اقیانوس آرام هستند و بطور متوسط حدود یک سوم صادرات آنها را جذب می‌کنند (جدول ۳). سهم مکزیک از صادرات این ممالک بسیار کمتر است. کل صادرات آسیا - اقیانوس آرام به سه کشور عضو «نافتا» در سال ۱۹۸۷ معادل ۸۵/۹ میلیارد دلار بود که در سال ۱۹۹۲ به ۱۳۰/۲ میلیارد دلار افزایش یافت. ۹۱/۵ درصد این صادرات به ایالات متحده، ۶/۵ درصد به کانادا و ۲ درصد به مکزیک وارد شده است.

رشد صادرات منطقه آسیا و اقیانوس آرام به مکزیک در دوره ۵ ساله ۱۹۸۷-۱۹۹۲ برابر ۷۲۲ درصد، به ایالات متحده ۴۸/۸ درصد و به کانادا ۵۴/۵ درصد بوده است. بنابراین، از نظر جذب صادرات آسیا و اقیانوس آرام، بازار مکزیک بالاترین سرعت رشد را داشته است. (جدول ۴)

سهم بازار کانادا و ایالات متحده برای صادرات زیر منطقه‌های آسیا - اقیانوس آرام یکسان نیست. چهار کشور تازه صنعتی آسیا (هنگ کنگ، تایوان، کره، و سنگاپور) بزرگترین سهم را دارند و بعد از آنها سه کشور صنعتی (ژاپن، استرالیا، زلاندنو) قرار گرفته‌اند. چین به تنهایی ۱۰ درصد صادرات خود را به ایالات متحده و کانادا می‌فرستد. از صادرات ممالک جنوب آسیا (هندوستان، پاکستان، بنگلادش و سریلانکا) و ممالک ۴ گانه «آسن» (مالزی، اندونزی، تایلند و فیلیپین) حدود یک پنجم روانه ایالات متحده و کانادا می‌شود. (جدول ۵)

چون ارقام کل صادرات آسیا - اقیانوس آرام به ایالات متحده و کانادا و سهم این دو کشور از کل صادرات آنها نسبتاً بالاست، برقراری تجارت آزاد بین مکزیک و کانادا و ایالات متحده در کوتاه مدت تأثیر چندانی بر وضع کل آسیا و اقیانوس آرام در بازار دو کشور مذکور ندارد. صادرات مکزیک به این دو کشور، فقط ۹ درصد صادرات آسیا اقیانوس آرام است. از نظر تشابه صادراتی فقط صادرات اندونزی، سنگاپور و مالزی به ایالات متحده و کانادا مشابه صادرات مکزیک است. از نظر حجم کالاهای مشابه و رقیب نیز صادرات مکزیک به ایالات متحده و کانادا، فقط حدود ۱۴ درصد صادرات ممالک رقیب در آسیا و اقیانوس آرام می‌باشد. چون ۹۰ درصد صادرات ژاپن به ایالات متحده ماشین‌آلات و تجهیزات و محصولات صنایع سنگین و شیمیایی است و بیشتر این کالاها دارای سطح تکنولوژی بالا است، مکزیک تعداد کمی محصول دارد که با این کالاهای صادراتی در بازار ایالات متحده رقابت نماید.

اما چهار کشور تازه صنعتی آسیا و کشورهای «آسن» که محصولات کاربر (نساجی) و لوازم خانگی صادر می‌کنند، در بازار ایالات متحده با رقابت مکزیک مواجه خواهند بود. هر چند تکنولوژی تولید و کیفیت محصولات آسیایی بالاتر و مرغوبتر است، اما صنایع نساجی جمهوری کره و تایوان شدیداً وابسته به صادرات به ایالات متحده است و دسترسی آزاد مکزیک به بازار ایالات متحده وضع آنها را به خطر می‌اندازد، مخصوصاً که سطح دستمزدها در مکزیک بسیار پایینتر است. تایلند و مالزی نیز از صادرکنندگان پارچه به ایالات متحده هستند و از رقابت مکزیک بیمناکند، ولی به نظر می‌رسد که برتری نسبی خود را نسبت به مکزیک حفظ کنند.

ژاپن و ممالک تازه صنعتی آسیا و ممالک «آسن» صادر کننده قطعات لوازم خانگی به مکزیک هستند که در آنجا با معافیت از تعرفه‌های گمرکی (سیستم ماکیلادورا) در کنار مرز ایالات متحده تبدیل به لوازم خانگی شده و به ایالات متحده صادر می‌گردد.

این تجارت قطعات در آینده نزدیک تغییری نخواهد کرد (تا سال ۲۰۰۱). از نظر وابستگی ایالات متحده به بعضی از محصولات آسیایی، ۶۹ درصد ارزش منسوجات وارده به آن کشور از آسیاست، در حالی که سهم مکزیک فقط ۴ درصد است. همین مطلب در مورد واردات کالاها و محصولات الکترونیکی و الکترونیکی صادق است. بطور کلی، صنایع لوازم خانگی مکزیک هنوز به آن درجه از تکامل نرسیده که نیاز بازار ایالات متحده را تأمین کند. بنابراین، رقابت محصولات مکزیک با محصولات آسیایی شدید نیست. از طرف دیگر، سهم مکزیک از کل واردات کانادا و ایالات متحده بسیار اندک است. اگر مبادلات دوجانبه کانادا و ایالات متحده را کنار بگذاریم، سهم مکزیک از کل واردات دو کشور فقط ۴/۵ درصد است، در حالی که واردات از آسیا و اقیانوس آرام ۲۴ درصد کل واردات آمریکا را تشکیل می‌دهد. (جدول ۳)

گرچه تأثیر «نافتا» بر صادرات ممالک آسیایی اندک خواهد بود، ولی اثر حذف تعرفه‌های گمرکی و یک نواختی قیمت‌ها در کل بازار «نافتا» بر صادرکنندگان ممالک در حال توسعه این خواهد بود که از میزان تحرک و ابتکار آنها در تغییر دادن جهت صادرات از یک بازار به بازار دیگر به منظور استفاده از تفاوت‌های حساسیت قیمتی برای حداکثر کردن درآمد ارزی صادرات می‌کاهد. بیشتر ممالک در حال توسعه برای افزایش درآمد صادرات خود با دو راه حل مواجه خواهند بود: در کوتاه مدت، کشورها ممکن است در پی انحراف تجارت (trade diversion) باشند، یعنی با توجه به اختلاف حساسیت قیمتی تقاضا، محصولی را از یک بازار به بازار دیگر بفرستند. اما در درازمدت کشورهای صادرکننده باید استراتژی‌ها ایجاد تجارت (trade Creation) را به مورد اجرا گذارند یعنی مراکز رشد تازه را بر مبنای حساسیت درآمدی تقاضا تشخیص دهند و با استراتژی‌های بازاریابی دقیق توجه خود را به این بازارها معطوف دارند.

عامل دیگری را که باید در نظر داشت این است که منطقه گرانی اگر دائمی باشد به هر حال بر ضد بین‌المللی و چندجانبه بودن تجارت و یک نواخت شدن یا نزدیک شدن قیمت‌ها و فرصت‌هاست. در کوتاه مدت ممکن است رشد تجارت بین‌المللی محدود شود و در درازمدت، نرخ ارزها دیگر منعکس کننده هزینه‌های فرصتی واقعی نیست و در نتیجه، مسئله تعادل پرداخت‌های بین‌المللی کشورهای در حال توسعه منطقه را بدتر می‌کند.

مطالب بالا بر مبنای تحلیل وضع گذشته و حجم و ترکیب صادرات آسیا - اقیانوس آرام در مقایسه با صادرات به مکزیک، ایالات متحده و کانادا می‌باشد. اما نکته شایان توجه در درازمدت این است که افزایش بازده و تغییر سرمایه‌گذاریهای درون بخشی در استراتژی رشد مکزیک، نقش عمده‌ای در تعیین ساختار تولید و تجارت مکزیک خواهد داشت. (دنباله دارد)

زیر نویس:

1. North America Free Trade Agreement (NAFTA)
2. Canada United States Free Trade Area (CUFTA)
3. Enterprise for Americas Initiative (EAI)
4. Caribbean Basin Initiative (CBI)
5. Andean Trade Preference Act (APTA)
6. North America Free Trade Area
7. Mordechai Kreinin and Michael Plummer
8. Gary Hufbauer and Jeffrey Schott
9. Raed Safadi and Alexander Yeats
10. Seije Nayu
11. Carlos Alberto Primo Braga

* منبع:

T. Naito, «Nafta Industries No1. 11./1993 and its influence on Asia.»
RIM Pacific-Business and Industries Vol. 11/1993.